قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌ومعارف‌رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۱۸۵ |

روایت دیدار متفاوت تولیت آستان قدس رضوی با کودکان خیابانی

با بچه‌های ساکن «صدف»

۴

توهین به مراجع انقلابی تیر انداختن به آفتاب است
به اسلام، انقلاب و مرجعیت دینی جفا نکنید
۳

حجت‌الاسلام باقی به مناسبت سالروز ورود حضرت فاطمه معصومه(س) به قم مطرح کرد
رسالتی برای دختر ولی خدا
۲

در گفت‌وگو با مدیر بحران و پدافند غیرعامل آستان قدس رضوی مطرح شد
زیارت در سایه ایمنی و امنیت
۴

موعظه/ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
الله‌اکبر میرزا جواد آقا تهرانی پای خمپاره‌انداز
۲

قطارنوشت
قاصدکی که به مشهد می‌رفت
۲

روایتی از کاریزهای پرتعداد شهر مشهد در دورانی که از ما دور نیست

چند جرعه آب گوارا در کام تشنه زائر و مجاور

محمدحسین نیکبخت | بارها برایتان در همین صفحه رواق گفته‌ام که شهر مشهد، در تاریخ هزار و ۲۰۰ ساله‌اش، همیشه از کم‌آبی رنج برده. واقعیت آن است که این شهر، با وجود قرار گرفتن در دشتی حاصلخیز، بهره چندانی از منابع آب روزمینی ندارد و به همین دلیل، در طول تاریخش، مسئولان شهر و افراد خیّر همیشه برای رفع این معضل تمهیداتی اندیشیده‌اند؛ یکی از این تمهیدات که اتفاقاً اختراع خودِ ما ایرانی‌هاست، حفر قنات یا همان کاریز است. مشهدی‌ها بیشتر کاریز می‌گویند و هنوز این نام، به یادگار در برخی محلات مشهد دیده می‌شود؛ مثل «میل‌کاریز»، «کنار کاریز» و مانند این‌ها. کاریزها به عنوان منابع تأمین آب مشهد، پیش از آنکه چاه‌های عمیق حفر شود و بیفتد به جان منابع زیرزمینی آب این منطقه، کم و بیش در رفع نیاز آب زائران پرشمار و مجاوران و همسایگان حرم رضوی، مؤثر و قوی عمل می‌کردند. این کاریزها، هم منبع تأمین آب شُرب شهر بودند هم نیازهای عمومی شهر را برطرف می‌کردند و هم موجب طراوت و زیبایی فضای شهر و حرم مطهر می‌شدند و چند جرعه آب گوارا در کام زائر و مجاور می‌ریختند.

■ **کاریزهای از یاد رفته**

برخی کاریزها در مشهد وجود داشته است که ما الان از محل و تاریخشان اطلاعی نداریم و حتی نام و یاد آن‌ها هم در خاطر مردم مشهد نیست. مثلاً کاریز «رکن‌آباد» که احتمالاً در روزگار سلجوقیان جریان داشت و ما امروزه خبر یا گزارشی از آن نداریم؛ فقط از روی اسناد به جا مانده، می‌دانیم از موقوفات آستان‌قدس بوده است. یا کاریز «دارالشفا» که احتمالاً در مکانی به همین نام جریان داشت و ما نه تاریخ حفرش را می‌دانیم و نه مکان آن را یا مثلاً کاریز دستجرد که از تاریخ حفر آن بی‌خبریم، اما می‌دانیم روزی، روزگاری در محله دستجرد مشهد، جایی در حدود گنبدسبز فعلی جریان داشته و در بیرون باروی شهر، زمین‌های محل کشت سبزیجات و صیفی‌جات - به قول مشهدی‌ها: باختّره‌ها - را سیراب می‌کرده است. نمونه دیگر از این نوع کاریزها، کاریز «مشهد» است که در دوره غزنوی و توسط ابوالحسن عراقی دبیر احیا شد و گویا پیش از آن خشک شده بود؛ اما ابوالفضل بیهقی که نام این کاریز را در کتاب خود آورده است، هیچ اشاره‌ای به محل و دیگر جزئیات کاریز نمی‌کند. این کاریزها عموماً به دلیل قدمت زیاد، حتی نامشان هم در خاطر مشهدی‌ها نمانده است و فقط محققان درباره آن‌ها اطلاعات محدودی دارند.

■ **کاریزهای نام‌آشنا**

برخی از کاریزهای تاریخ مشهد، هرچند خشک شده‌اند، اما نامشان هنوز در ذهن مردم مشهد هست یا اینکه برخی از قدیمی‌ها و مو سفید کرده‌ها، حتی محل جریان داشتن و مکان استفاده از آن‌ها را می‌دانند؛ مثلاً کاریز «ماهی» که مادرم نقل می‌کرد در حوالی میدان بسیج (فلکه برق) جریان داشت و مردم منطقه از آن برای شست‌وشو و نیازهای روزمره استفاده می‌کردند. نمونه دیگر کاریز «میرزا» در بالاخیابان است که هرچند دیگر به صورت عینی وجود ندارد، ولی نام و خاطرش در ذهن مردم منطقه هست و اصلاً اسم یک کوچه را «آب میرزا» گذاشته‌اند. کاریز معروف «سعدآباد» هم نمونه دیگری است؛ از آن قنات‌های خیلی معروف که هرچند نشانی ظاهری از آن باقی نمانده، اما در خاطر مردم مشهد بدجور جا خوش کرده است؛ قناتی با آب بسیار گوارا که سقاهای مشهدی آن را با مَشْک به اطراف حرم می‌آوردند و زائران و مجاوران را سیراب می‌کردند یا مثلاً کاریز «عشرت‌آباد» یا «هشت‌آباد» در جنوب راه‌آهن مشهد که نشانه‌هایش تا همین چند دهه پیش برجا بود. این قنات از حدود حاشیه بولوار راه‌آهن عبور و باغ‌های آن حوالی را سیراب می‌کرد و البته، تفرجگاهی باصفا برای مردم مشهد بود. به غیر از این موارد، بیشتر مکان‌هایی که امروزه به عنوان محله در مشهد شناخته می‌شوند و روزگاری روستایی در حومه شهر یا حتی با فاصله چند فرسخی از مشهد بوده اند، کاریزهایی داشته‌اند که در خاطر برخی از اهالی سن و سالدار آن باقی مانده است. مثلاً کاریز «سمزقند» که روزگاری زمین‌هایش جزو منطقه تبادکان بود و امروزه در وجب به وجب آن زمین‌های زراعی، خانه ساخته‌اند و جزو مناطق شلوغ شهری است. در همین سمزقند، کاریزی پرآب و قدیمی جاری بود که صیفی‌کاری‌های این منطقه را آبیاری می‌کرد. یکی از قدیمی‌های سمزقند که پس از یک قرن زندگی، عمرش را به شما داد، به یاد می‌آورد وقتی همه کاریزهای اطراف این روستا خشک می‌شد، کاریز سمزقند هنوز آب داشت و مورد استفاده اهالی قرار می‌گرفت و حتی درشکه‌هایی که روی آن‌ها منبع آب نصب شده بود، می‌آمدند و برای زائرانی که پای پیاده و از سمت شمال به سوی مشهد در حرکت بودند، از همین کاریز آب می‌بردند. امروزه از سمزقند، فقط یک نام باقی مانده است.

کاریز «درویش‌بک» نمونه دیگری از این کاریزها بود که تا ۸۰ سال پیش جریان داشت؛ از کنار محله نوغان می‌گذشت، از اراضی راه‌آهن امروزی که روزگاری روستای امین‌آباد بود، عبور می‌کرد و خودش را به زمین‌هایی می‌رساند که امروزه به نام منطقه طلاب می‌شناسیم. آب این قنات، آن‌قدر زیاد بود که آستان‌قدس برای تأمین نیازهای شهر مشهد، آن را به شهرداری اجاره می‌داد؛ اما خب، امروز دیگر خشک شده و اثری از مسیر آن هم نیست. موارد دیگری هم وجود دارد که کمبود فضای صفحه اجازه طرح و بررسی آن را نمی‌دهد، کاریزهایی مثل «آصف‌الدوله»، «چهنو»، «الندشت»، «شیخ»، «کود سلوک»، «منبع»، «گناباد» و ... که شاید پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایتان، نام یا حتی موقعیت آن‌ها را به خاطر داشته باشند. خوب است به بهانه پرسیدن این نام‌ها، سری هم به بزرگ‌ترها بزنید؛ باور کنید کار هیچ‌وقت تمامی ندارد، هوای موسفیدهای خانواده را بیشتر داشته باشید.

گزیده

برخی از کاریزهای تاریخ مشهد، هرچند خشک شده‌اند، اما نامشان هنوز در ذهن مردم مشهد هست یا اینکه برخی از قدیمی‌ها حتی محل جریان داشتن آن‌ها را می‌دانند؛ مثلاً کاریز «ماهی» که مادرم نقل می‌کرد در حوالی میدان بسیج (فلکه برق) جریان داشت.

دور دست ها

کنفرانس بین‌المللی مطالعات اسلامی برگزار شد

مطالعات اسلامی «نیازمحور»

کنفرانس بین‌المللی مطالعات اسلامی در اندونزی ۲۵ الی ۲۹ اکتبر با حضور شخصیت‌های برجسته دینی اسلامی و وزیر امور دینی اندونزی برگزار شد.

شخصیت‌های بزرگ از اندونزی در این همایش سخنرانی کردند. حجت‌الاسلام یحیی جهانگیری، محقق و کارشناس نیز در این کنفرانس به عنوان سخنران حضور داشت. او دو روز پیش به مهر گفته بود: مطالعات اسلامی باید از رویکرد مطالعات اسلامی آموزه‌محور به مطالعات اسلامی نیازمحور تبدیل شود. مطالعات اسلامی تنها آموزه‌ها را بیان می‌کند. باید ببینیم آموزه‌های اسلامی چه کمکی در گسترش صلح خواهد داشت. همچنین امروز مبحثی مطرح است به نام الهیات معلولیت که نگاه الهیات به معلولیت چگونه باید باشد این‌ها مباحثی است که از ایران در این همایش بین‌المللی بررسی خواهم کرد و به بیان مقاله‌ای در این خصوص می‌پردازم.

یاد یاران

پایان فراق در «تشرف»

۳۹ سال می‌گذرد اما هنوز خبری از حسین شکرائیان؛ دانشجوی مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت تهران نیست، مادر و پدر همچنان چشم‌انتظارند. ۳۹ سال است مادر با صدای هر زنگ در یا تلفن پریشان‌حال می‌شود انگار حسینش پشت در است یا خبری از او برایش آورده‌اند.

مادر در حالی که بغض در سینه دارد می‌گوید: هنوز منتظرش هستم چون نه پیکرش را دیده‌ام و نه کسی لحظه شهادت او را دیده است.

دو سال پیش از شهادتش به سختی شرایط سفر و زیارت بارگاه ثامن‌الحجج(ع) را برای خانواده‌اش فراهم می‌کند و حالا پس از ۳۹ سال دوباره بسترساز زیارت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) برای خانواده‌اش می‌شود.

خانواده‌ای که سال‌ها در بی‌خبری از فرزند شهیدشان هستند غافل از اینکه پیکر او سال‌هاست در وطن آرام گرفته است.

ویژه برنامه «تشرف» که در چهارشنبه‌های امام رضایی به همت مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی و مشارکت گروه معارف شبکه یک سیما پخش می‌شود، میزبان خانواده شهید گمنام، پهلوانان و قهرمانان کشتی فرنگی المپیک و جهان بود.

سید محمدرضا حسینیان، مجری این برنامه تلویزیونی معتقد است «تشرف» یکی از سخت‌ترین و دشوارترین برنامه‌هایی است که به صورت زنده روی آنتن رفته است.

نکته جالب اینکه در این برنامه دعای یک مادر رنجدیده و منتظر در محضر حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) به اجابت رسید و ۳۹ سال چشم‌انتظاری مادر شهید گمنام حسین شکرائیان به آخر رسید، و از فرزند شهیدش باخبر شد.

خبر پیدا شدن شهید جاویدالاثر حسین شکرائیان پس از انجام آزمایش‌های تعیین هویت و دی.ان.ای توسط محمدرضا گرایی؛ قهرمان کشتی فرنگی جهان روی آنتن زنده شبکه یک سیما اعلام شد و قابی از آثار برجای مانده از این شهید شامل شانه، مسواک و قلم تحویل مادر این شهید جاویدالاثر شد.

قرار است این شهید همدانی هشت سال دفاع مقدس در دانشگاه فنی اصفهان به خاک سپرده شود.

آن روزها

نمایه‌سازی اسناد حکومتی دوره قاجار در مرکز اسناد آستان قدس رضوی

مجموعه‌ای از اسناد مهم و جالب توجه دوره قاجار از سال‌های ۱۲۲۰ تا ۱۳۴۴ هجری قمری و دوره پهلوی در مرکز اسناد آستان قدس نمایه‌سازی شد. دستخط و فرمان‌های شاهان قاجار، اسنادی از امیرکبیر و مکاتبات نظامی، بخشی از این اسناد است.

مدیر مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی با اعلام اتمام کار نمایه‌سازی مجموعه‌ای نفیس از اسناد دوره قاجار و پهلوی، از امکان دسترسی محققان به این اسناد از طریق کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی خبر داد.دکتر محمدهادی زاهدی خاطرنشان کرد: بخش عمده این اسناد، گزارش‌ها و مکاتباتی در مورد نیروهای نظامی، سواره‌نظام، پیاده‌نظام، تفنگداران، توپچیان و افواج نظامی مناطق مختلف کشور و مسائل مربوط به آنان است.۹۱ فرمان از شاهان قاجار، ۴۲ فرمان از شاهزادگان قاجار، ۴۴ حکم از صاحب‌منصبانی نظیر امیرکبیر، ۳۵ سواد فرمان از ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و محمدشاه قاجار، چهار سواد حکم از صدراعظم و ظل‌السلطان، یک مورد پیش‌نویس فرمان از مظفرالدین‌شاه قاجار و... ازجمله این اسناد است.

همچنین مکاتباتی میان دولت‌های ایران، فرانسه، روسیه، انگلستان، بلژیک، امپراتوری عثمانی، افغانستان، آلمان و اتازونی (آمریکا) با موضوعات مختلف در بین این اسناد مشاهده می‌شود.وی همچنین فرمانی از ناصرالدین‌شاه قاجار مبنی بر تشکیل مجالس تنظیمات حسنه ولایات خمسه در سال ۱۲۹۲ هجری قمری خطاب به محمدتقی میرزا رکن‌الدوله، حاکم زنجان را از دیگر اسناد برجسته این مجموعه نام برد. زاهدی بیان کرد: در میان اسناد نظامی این مجموعه موضوعات مختلفی شامل پرداخت مواجب، بیوتات و ادارات متنوع، نام ایل‌ها و طوایف، واگذاری تیول به خوانین، مشاغل و مناصب، گزارش‌های مربوط به جنگ و... به چشم می‌خورد.

وی اسنادی درباره اقلیت‌های دینی و همچنین نامه‌هایی در مورد تسامح ایران با والی صربستان و بوسنی‌وهرزگوین را بخش دیگری از این مجموعه ارزشمند برشمرد.

مدیر مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی با بیان اینکه تمامی این اسناد دیجیتال‌سازی شده است، خاطرنشان کرد: با اتمام نمایه‌سازی و ورود اطلاعات این اسناد، این مجموعه از طریق نرم‌افزار سیمرغ از قابلیت جست‌وجو برخوردار شد، همچنین فایل آن‌ها از طریق کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی به آدرس digital.aqr.ir قابل مشاهده و دسترسی است.

قطارنوشت

قاصدکی که به مشهد می‌رفت

الهه ارجمندی‌راد | به دستان چروک و خسته‌اش زل زد و باز به مسیر قطار خیره شد. آرام به سمت ریل رفت و در امتداد آن چند قدم برداشت. شاید اگر دوربینی داشت همان‌جا میان ریل‌ها بهترین خاطراتش را ثبت می‌کرد. نشست روی ریل و به انتهای آن خیره شد. اگر ساعت حرکت قطار تغییر نکرده باشد، هنوز ۱۰ دقیقه‌ای به آمدن قطار مانده بود. تقریباً ساعات عبور قطار از کنار خانه‌شان را می‌دانست. ارازل را دید که به سمتش می‌آمد. حتماً باز اجه او را فرستاده بود تا زودتر به خانه برگردد. دل از سکوت ریل‌ها کند و با خواهرش همراه شد که همزمان صدای بوق قطار را شنید. همان قطاری که می‌دانست مقصد بعدی‌اش گرگان و بجنورد و بعد مشهد است. قاصدکی که آورده بود و در دست داشت را آماده کرد. می‌خواست آن را همراه قطار به آسمان بفرستد. این‌طور خیال می‌کرد او هم با قطار همسفر می‌شود و آرزویش را به امام رضا(ع) می‌رساند. چشمانش را بست و حاجتش را زمزمه کرد. اینکه زودتر بتواند با خواهر و مادرش راهی مشهد شود. اینکه این بار قالیچه‌های ترکمنی که بافته‌اند، خوب فروش برود، از خرج زندگی و هزینه درمان آرازل پولی بماند و بتوانند پس‌انداز کنند، بعد هم از ایستگاه بندر ترکمن سوار همین قطار شوند. قاصدک را کف دست بالا آورد، همه این‌ها را دوباره تند تند زمزمه کرد و وقتی قطار از کنارش رد می‌شد، قاصدک را به هوا داد. دوست داشت فکر کند قاصدک تا خود مشهد می‌رود. چشمانش را باز کرد. قطار و قاصدک رفته بودند. به دور شدن آخرین واگن قطار زل زده بود که ارازل صدایش درآمد: «اجه دعوایمان می‌کند... بریم دیگه». با دلتنگی بار دیگر به امتداد ریل‌ها خیره شد و راه خانه را گرفتند. از همان فاصله هم می‌توانست نگاه اجه که پشت پنجره ایستاده بود ترس بکند. آقایانی که بودند می‌دانند دیگر، چون خمیاره صدا دارد و معمولاً آن کسی که خودش خمپاره را می‌اندازد سرش را می‌برد عقب و گوش‌ها را می‌گیرد، ایشان می‌گفت: خمپاره را که می‌زدم، برای اینکه صدای خمپاره توی گوشم نپیچد، وقتی گلوله خمپاره می‌خواست بیرون بیاید فریاد می‌زدم اللّه‌اکبر. منظره را مجسم کنید، رزمی، شما ببینید چقدر در روحیه این جوان‌ها اثر می‌کند، چه جانی به این‌ها می‌دهد.

آن جوانی که می‌بیند این پیرمرد ۸۰ ساله با محاسن سفید، پشت خمیده، عصا به‌دست آمده پای خمپاره ایستاده و خمپاره می‌زند، این جوان دیگر ممکن نیست از مقابل دشمن برگردد عقب و احساس جبهه، دیدم بچه‌ها من را به چشم یک پیرمرد نگاه می‌کنند، گفتم نخیر! من هم کار برمی‌آید. بعد به من گفتند پس شما پای خمپاره بیایید. آقای آقامیرزا جواد آقا را بردند پای خمپاره، ایشان گلوله خمپاره را می‌انداختند توی خمپاره و پرتاب می‌شد و می‌خورد به دشمن. خب خمپاره‌انداز، خوب است دیگر. خمپاره‌زنی، یک کار مشهد که حتماً اُعلب آقایان می‌شناسند، آقای حاج‌میرزا جواد آقای تهرانی، مرد ملا، پیرمرد پشت‌خمیده با عصا، ایشان چند بار جبهه رفته.

یکبار ایشان از جبهه برگشتند آمدند تهران، می‌رفتند مشهد، با بنده ملاقات کردند. خدمت امام رسیدند؛ به من گفتند من وقتی رفتم مشهد که حتماً اُعلب آقایان می‌شناسند، آقای حاج‌میرزا جواد آقای تهرانی، مرد ملا، پیرمرد پشت‌خمیده با عصا، ایشان چند بار جبهه رفته.

یکبار ایشان از جبهه برگشتند آمدند تهران، می‌رفتند مشهد، با بنده ملاقات کردند. خدمت امام رسیدند؛ به من گفتند من وقتی رفتم مشهد، دیدم بچه‌ها من را به چشم یک پیرمرد نگاه می‌کنند، گفتم نخیر! من هم کار برمی‌آید. بعد به من گفتند پس شما پای خمپاره بیایید. آقای آقامیرزا جواد آقا را بردند پای خمپاره، ایشان گلوله خمپاره را می‌انداختند توی خمپاره و پرتاب می‌شد و می‌خورد به دشمن. خب خمپاره‌انداز، خوب است دیگر. خمپاره‌زنی، یک کار رزمی، شما ببینید چقدر در روحیه این جوان‌ها اثر می‌کند، چه جانی به این‌ها می‌دهد.

آن جوانی که می‌بیند این پیرمرد ۸۰ ساله با محاسن سفید، پشت خمیده، عصا به‌دست آمده پای خمپاره ایستاده و خمپاره می‌زند، این جوان دیگر ممکن نیست از مقابل دشمن برگردد عقب و احساس یک پیرمرد عالم محاسن‌سفیدی، پای خمپاره ایستاده هی خمپاره می‌زند، هی می‌گوید اللّه‌اکبر.

پی‌نوشت: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیام تسلیتی نیز که در ۶۸/۸/۲ به خاطر رحلت میرزا جواد آقای تهرانی خطاب به مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی منتشر کردند، نوشتند: «آن عالم بزرگوار و پارسا... پس از پیروزی انقلاب نیز در صحنه‌های بسیار مهم و حساس، با حضور مؤثر و بابرکت خود، انقلاب را تقویت کرد و از جمله در سال‌های جنگ تحمیلی، مکرر لباس رزم پوشید و با وجود کهولت سن، در صحنه نبرد، پیشوا و همگام جوانان مجاهد فی‌سبیل‌الله شد.»

موعظه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

اللّه‌اکبر میرزا جواد آقا تهرانی پای خمپاره‌انداز

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود در تاریخ ۶۶/۸/۲۶ یعنی دو سال پیش از رحلت مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی درباره ایشان می‌گویند: «گاهی یک روحانی مسن و پیرمرد، اثرش از روحانی جوان بیشتر است. یکی از علمای محترم مشهد، از مسنّین علمای

یادداشت

توهین به مراجع انقلابی تیر انداختن به آفتاب است

حمزه واقعی | صریح و یک‌راست به سراغ اصل مطلب می‌روم و به قول آن سردار انقلابی، حرف آخر را اول می‌زنم: توهین به مراجع انقلابی که مورد امروز آن آیت‌الله صافی گلپایگانی است، تیر انداختن به آفتاب است.

جُرد، حکمت، عقلانیت، تدبیر، زمان‌شناسی، انقلابی بودن توأم با اندیشه‌ورزی و اقتدا کردن به رهبری حکیم حکم می‌کند سرمایه‌های بزرگ و مذهبی با همه وجود حفاظت شوند. بشکستن شیشه‌ای از بنای رفیعشان، نه تنها زمردی نیست که نوعی ناجوانمردی است. وقتی حکیمان تعلیممان می‌دهند «بشکستنِ شهر خویش از مردی نبود» باید رسم مردانگی و جوانمردی بیاموزیم و بدانیم مرجعیت جلیل‌القدر و مراجع انقلابی، نه شهر که مُلکِ ایماننند و هیچ باورمندی به گزاره‌های دینی، به این مُلک شخم نمی‌زند.

فتوای شرع، حریم‌بانی است در برابر حریم‌شکنی.

حکم عقل، حفظ حرمت است برای مراجع عظیم‌الشأنی که خود حریم امنِ مردم‌اند و از آغاز نهضت امام خمینی -قدس‌الله نفسه الزکیه- و در استمرار آن به زعامت و امامت آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای، پای کار انقلاب بوده‌اند.

آنان که به هر شکل قلم به توهین و تحقیر بر کاغذ می‌آورند باید در شریعت‌ورزی و انقلابی‌گری خود تأمل کنند.

اساساً این نوع نگاه تک‌ساحتی و قضاوت نقطه‌ای با منطق «جمهوری اسلامی» در تباین و تضادی آشکار است که برخی قلم به احساس، پندار، مبنا و انگاره‌های خود را حق مسلم بپندارند و غبار تعرض نثار قیابی کنند که بر تن یک از بزرگ مراجع جمهوری اسلامی است.

اینکه به تأکید می‌نویسند «اینجا جمهوری اسلامی است» و سنگ می‌سازند از این واژگان مقدس و از میانی ترجمانی داشته‌ایم از نگاه‌های تک‌منظری که بسیاری از تندروی‌ها را از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی رقم زده و فضا را دایکال کرد و بسیاری از فرصت‌ها را گرفت و بسیاری از آسیب‌ها را بر گرده اسلام و انقلاب نات محمدی وارد کرد.

من به هیچ وجه این نویسنده و مشابه وی که بنا بر علم اجمالی و قرائن دغدغه انقلاب دارند را دنباله‌روی جریان‌های انحرافی ضد اسلام و جریان‌های انحرافی نفوذی انقلاب نمی‌دانم، اما این می‌تواند آغازی باشد از پیدایش یک زاویه که اگر به سرعت ترمیم نشود می‌تواند ما را با آسیب‌ها و چالش‌های هزینه‌بردار بسیاری روبه‌رو کند. سرانجامی که فرجام آن را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اینان را باید هشدار داد و هوشیار کرد که این راه به خطاست.

خطا آنجا به باطل تبدیل می‌شود که می‌پندارند مرجعیت هم باید به سیاق آنان سخن بگوید و آنچه آنان می‌پسندند را فریاد کند.

اینکه سخنان یک مرجع را مخالف بیانیه گام دوم انقلاب بدانیم و... بسی خطاست.

نگارنده این سطور در همان روزهای آغازین صدور بیانیه گام دوم انقلاب آن را رسم‌الخط حکمرانی انقلاب دانسته و بر این بیانیه و فهم و ترویج آن بسیار تأمل کرده‌ام، اما به هیچ وجه صحبت‌های آیت‌الله صافی را در تضاد با آن نمی‌دانم.

نکته دیگر اینکه این دوستان جای مقلِد و مقلَد را خلط کرده‌اند و چون می‌بینند آیت‌الله صافی گلپایگانی(مد ظله) جور دیگر سخن گفته است می‌جوشند و می‌خروشند و ناپاکیزه می‌نویسند.

کسی این بزرگواران را سر کلاس بنشاند و یک قرن زیست دینی و غیرت انقلابی و حشمت مردمداری آیت‌الله را برایشان بخواند تا بدانند کلامشان سنگ بر شیشه خانه چه بزرگی می‌نشاند، بزرگی که با منطق انقلاب و امام و رهبری از پیدایش تا امروز همراه بوده است و در موقف‌های پرخطر، به خاطر انقلاب، تمام قد ایستاده است.

سنگ زدن به این نخل پر ثمر و کهنسال، خرمای خواسته را در دامن قلم‌زنان نمی‌ریزد بلکه زخم در شجره طیبه‌ای می‌زند که به نفقه امروز را، که فردا‌ها را هم باید چراغ راه باشند. به حرمت این چراغ باید ذهن تاریک این خرده‌جوانان پرخوش و روشن کرد و با تبیین جایگاه مراجع، آنان را به فهم جامع و درست رساند تا با اقدامات نادرست در زمین کسانی بازی نکنند که نهاد مرجعیت را دشمن می‌دارند.

هر کس به نیازمند کمک مالی کند و یا مردم متصفانه رفتار نماید چنین کسی مؤمن حقیقی است.

حجت‌الاسلام باقی به مناسبت سالروز ورود حضرت فاطمه معصومه(س) به قم مطرح کرد

رسالتی برای دختر ولی خدا

گزیده: بزرگان و علما به زیارت ایشان تأکیدی ویژه دارند؛ مرحوم علامه مصباح یزدی می‌گفت: اگر مردم شأن این بانو را می‌دانستند همه خاک اطراف حرم را می‌بردند! یا آنکه نقل است مرحوم علامه طباطبایی(ره) روزه می‌گرفت و بعد با بوسیدن حرم فاطمه معصومه(س) افطار می‌کرد و در و دیوار را می‌بوسید تا به ضریح برسد و می‌گفت: اگر مردم من را سرزنش نمی‌کردند جای پای زائران حضرت معصومه(س) را هم می‌بوسیدم.

آمنه مستقیمی | بیست و سومین روز از ربیع‌الاول در تقویم ایران و تشیع مفتخر به سالروز ورود حضرت فاطمه معصومه(س)، کریمه اهل بیت(ع) به قم است؛ ورودی که با تدبیر و اراده الهی تاریخ را متأثر کرده است و پس از قرن‌ها همچنان نه فقط تشیع و ایران بلکه اسلام و بشریت را مرهون برکات خود دارد. به مناسبت فرا رسیدن این روز و به منظور بررسی برکات بی‌شمار این هجرت و حضور، با حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌محمد باقی، کارشناس مذهبی و استاد حوزه گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم که در ادامه مشروح آن تقدیم حضورتان می‌شود.

■ آیا هجرت حضرت فاطمه معصومه(س) به ایران و حضور ایشان در قم اتفاقی و صرفاً به‌منظور دیدار خواهر و برادری بوده یا این هجرت و حضور فلسفه‌ای دیگر را در خود نهان داشته است؟

ورود حضرت معصومه(س) به قم اتفاقی نبوده که ایشان بدون برنامه و راهبرد در پی برادرشان به ایران آمده باشند و در قم از دنیا بروند و در آنجا دفن شوند؛ بلکه امام صادق(ع) ده‌ها سال پیش از ولادت حضرت فاطمه معصومه(س) به وجود این بانو و دفنشان در قم اشاره کرده و می‌فرمایند: «برای خداوند حرمی است که مکه باشد و برای رسول خدا(ص) حرمی است که آن مدینه باشد و برای امیرمؤمنان(ع) حرمی است که آن کوفه باشد و برای ما اهل بیت(ع) حرمی است که قم باشد. به زودی فرزندم به نام فاطمه در آن دفن می‌شود. کسی و او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود». راوی گفت: این سخن را حضرت صادق(ع) وقتی فرمودند که هنوز فرزندشان امام کاظم(ع) به دنیا نیامده بود!

از این رو، با این تصریح و بیان امام معصوم(ع)، ورود حضرت معصومه(س) به قم تصادفی و از سر بخت و اقبال مردم قم نبوده بلکه چنین مقرر شده با این حضور تحولاتی شگرف در این منطقه رخ دهد که چنین نقد و ثابت کرد اراده الهی بر آن بوده این بانو از فرزندان موسی‌بن جعفر(ع) در قم نزول اجلال کنند.

■ با این نگاه، چه اهدافی برای حضور حضرت معصومه(س) در قم در نظر گرفته شده و چه میزان از این اهداف تحقق یافته است؟

قطعاً اهدافی بر این ورود مترتب بوده است؛ هر اتفاق برنامه‌ریزی شده‌ای سه لایه از اهداف را دنبال می‌کند: اهداف اولیه، اهداف ثانویه و اهداف متعالی: در لایه اهداف اولیه، این ورود برای تجمیع و جرّ یافتن شیعیان بوده است به طوری که شیعه در ایران امامزاده‌ای که شأنی بسیار عظیم دارد، قدرت یافت و شیعیان قم در پرتو ورود کریمه اهل بیت(ع) به شهر خود، مأمن و پناه یافتند. در بعد اهدافی ثانویه، این ورود و حضور درصدد ایجاد پایگاه علمی برای شیعیان بوده است یعنی در کنار اینکه قم مأمن و پناه شیعیان و مؤمنان قرار گرفت، به مرکز صدور تشیع نیز تبدیل شد؛ به عبارت بهتر، حضرت معصومه(س) وارد این شهر و در آن دفن شدند تا روزی این شهر محل ارتزاق فکری نه فقط تشیع بلکه اسلام در سراسر هستی شود؛ امری که محقق شد و امروز چشم همه دنیا به قم است؛ چنان‌که انقلاب اسلامی ایران از قم شکل گرفت و سپس دنیا را به لرزه انداخت. تمام کتاب‌های مذهبی که امروز در سراسر جهان منتشر و پخش می‌شود به برکات علمای بزرگ قم است که مزار لوله علم تشیع به شمار می‌رود.

اما در لایه برکت متعالی و هدف غایی ورود حضرت معصومه(س) به قم که دیگر اهداف ذیل آن تعریف می‌شود، بحث ظهور حضرت صاحب‌الامر(عج) قرار دارد، یعنی قرار است قم پایگاه زمینه‌سازی برای ظهور شود. در روایات متعددی به این مسئله اشاره شده، چنان‌که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی(عج) را فراهم می‌آورند». از این منظر و با این نگاه متعالی، زمینه‌سازی برای ظهور نه فقط هدف حضور حضرت معصومه(س) در قم بلکه هدف غایی هجرت امام رضا(ع) به ایران نیز بوده است.

اگر پیش از انقلاب، امام مهدی(عج) ظهور می‌کردند عده و عُده‌ای برای ایشان فراهم نبود اما امروز اگر ایران بخواهند ظهور کنند، هم عده و هم نیروی انسانی و هم عُده جنبی تجهیزات نظامی برای ایشان و قیام آن حضرت(عج) فراهم شده است. به برکت امام خمینی(ره) که از قم برخاست و به برکت نهضت انقلابی که از قم آغاز شد و به مدد اسلامی که از قم صدور یافت هزاران رزمنده آماده جهاد در رکاب امام زمان(عج) هستند و این‌ها همه از برکات این هجرت و ورود و دفن دختر حضرت معصومه(س) در قم است.

به عبارت دیگر، اگرچه مأمون عباسی مکر کرد با ولایتعهدی و هجرت امام رضا(ع)، اما بیت(ع) را تضعیف و تحدید کند اما خداوند مکرش را خنثی نمود و تحقق اهداف بزرگ خود را در دل این هجرت قرار داد؛ چنان که در زیارت حضرت معصومه(س) می‌خوانیم، «أَسْأَلُ اللّٰهَ أَنْ يُرَيَنا فِيكُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَحَ»؛ از خدا خواستم به ما درباره شما خوشحالی و گشایش بنمایاند؛» این شادی و فرح با ظهور امام مهدی(عج) حاصل می‌شود.

■ چرا در بین امامزادگان متعدد و نیز فرزندان پرشمار حضرت موسی‌بن جعفر(ع)، حضرت معصومه(س) چنین جایگاه و مقاماتی دارند؟ این صرفاً به دلیل نسبت خانوادگی است یا رازی دیگر دارد؟

فکری نه فقط تشیع بلکه اسلام در سراسر هستی شود؛ امری که محقق شد و امروز چشم همه دنیا به قم است؛ چنان‌که انقلاب اسلامی ایران از قم شکل گرفت و سپس دنیا را به لرزه انداخت. تمام کتاب‌های مذهبی که امروز در سراسر جهان منتشر و پخش می‌شود به برکات علمای بزرگ قم است که مزار لوله علم تشیع به شمار می‌رود.

اما در لایه برکت متعالی و هدف غایی ورود حضرت معصومه(س) به قم که دیگر اهداف ذیل آن تعریف می‌شود، بحث ظهور حضرت صاحب‌الامر(عج) قرار دارد، یعنی قرار است قم پایگاه زمینه‌سازی برای ظهور شود. در روایات متعددی به این مسئله اشاره شده، چنان‌که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی(عج) را فراهم می‌آورند». از این منظر و با این نگاه متعالی، زمینه‌سازی برای ظهور نه فقط هدف حضور حضرت معصومه(س) در قم بلکه هدف غایی هجرت امام رضا(ع) به ایران نیز بوده است.

اگر پیش از انقلاب، امام مهدی(عج) ظهور می‌کردند عده و عُده‌ای برای ایشان فراهم نبود اما امروز اگر ایران بخواهند ظهور کنند، هم عده و هم نیروی انسانی و هم عُده جنبی تجهیزات نظامی برای ایشان فراهم شده است. حالا حاجت زیارت دوباره او، آرزوی دختر ۱۸ سالهاش هم شده بود. دخترک که باید باز هم سخت‌تر همراه مادر کار می‌کرد تا او هم بالاخره بتواند مشهد را از نزدیک ببیند. هنوز نمی‌دانست وقتی به حرم امام رضا(ع) رسید، دقیقاً از حضرت چه می‌خواهد. شاید فقط شفای ارازل را، شاید هم بخت خوب خودش را دعا می‌کرد. از همان جا برای اجه دست تکان داد و به یاد قاصدکش خندید.

گزارش

به اسلام، انقلاب و مرجعیت دینی جفا نکنید

نیکوکار: انتشار یادداشتی با عنوان «هشت سال عبرت کافی نیست؟» توسط یکی از سایت‌های خبری و نسبت دادن مطالب ناروایی به محضر مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی با واکنش‌های اعتراضی فراوانی روبه‌رو شد. نویسنده این متن با تقطیع غیراخلاقی بیانات این مرجع تقلید به این نتیجه کلی رسیده است که «چشم امید مرجعیت به خارج و غرب» است. متنی که نویسنده در ابتدا از ایشان نقل کرده بدین گونه است: «گرانی برای مردم طاقت‌فرسا شده و اینکه با بسیاری از کشورها قهر باشیم، به ضرر مردم است» این در حالی است که خبر اصلی منتشره بدین گونه است: ایشان تأکید کردند: «بنده بسیار نگران وضعیت اقتصادی و مشکلات مردم هستم. مردم نجیب و شریف کشور ما مستحق این وضعیت نیستند». آیت‌الله صافی گلپایگانی در قسمت دیگری از بیانات خود تصریح کردند: «توصیه حقیر این است که باید با تمام کشورهای دنیا با عزت و اقتدار رابطه داشته باشیم. اینکه با بسیاری از کشورها قهر باشیم صحیح نیست و به ضرر مردم عزیزمان است. شما باید با عقلانیت و تعامل سازنده، حقوق ملت را احقاق کنید».

آنچه در بیانات مرجعیت معظم در خصوص چگونگی رابطه با کشورهای دیگر بیان شده دو کلید واژه مهم «عزت و اقتدار» را دارد. همان دو شرط اصلی که سیاست کلی نظام و مورد تأکید همیشگی رهبر معظم انقلاب نیز بوده است. از این رو قرار دادن مرجعیت معظم در مقابل نظام و رهبری توسط نویسنده نشان دهنده پیش‌فرض‌های ذهنی وی نسبت به نهاد مرجعیت است که لازم است به صورت مبنایی اصلاح شود.

■ بیانیه جامعه مدرسین در محکومیت اهانت به ساحت مرجعیت شیعه

تبیین تحلیل نابجایی که در قسمت دوم این موضوعات ناروایی به ساحت مراجع عظام تقلید بود اما با واکنش‌ها و اعتراض‌های فراوانی از نهادهای حوزوی گرفته تا شخصیت‌ها و علما روبه رو شد. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای با محکوم کردن اهانت به ساحت مرجعیت شیعه، اعلام کرد: «مرجعیت در قاموس سیاسی و اجتماعی شیعه دارای جایگاهی رفیع بوده و پاسداشت آن، تجلیل از مقام انبیای عظام و تکریم علم و دین است. «العلماء ورثه الأنبیاء» و «الفقهاء امناء الرسل»، یادداشت انتقادی یکی از نویسندگان در نقد سخنان حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی را «تحریک‌آمیز» تعبیر کرد. عیرمنصفانه بود. مرور مواضع قاطع و انقلابی آن مرجع معظم این حقیقت را آشکار می‌سازد که ایشان فراز از اختلافات و نگاه‌های سیاسی جناحی موضع‌گیری‌های کاملاً انقلابی و بصیرت انقلابی در راستای اهداف انقلاب اسلامی به مسائل جامعه ورود پیدا می‌کنند. بی‌شک تنزل دادن سخنان مرجعیت معظم به پایین‌ترین سطح کنش‌های سیاسی جفا به اسلام، انقلاب و مرجعیت دینی است».

■ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: هرگونه تعرض به ساحت مرجعیت را محکوم می‌کنیم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه نیز در بیانیه‌ای تأکید کرد: «در این روزها، واکنش ناروا و دور از انصاف نسبت به یکی از قله‌های علمی حوزه‌های علمیه و مرجع عالی‌قدر، آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته) که سابقه‌ای درخشان و دیرین و پرافتخار در خدمت به اسلام عزیز و حوزه‌های علمیه و نظام اسلامی و مکتب جعفری داشته‌اند

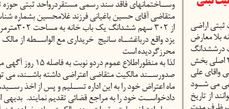

و از باب خیرخواهی و دلسوزی نسبت به وضعیت اقتصادی و فشارهای کمرشکن به مردم، کارگزاران نظام را به حل مشکلات اقتصادی و راه‌های آن توصیه کرده‌اند موجب تأسف و تأثر حوزه‌های علمیه است. حوزه‌های علمیه ضمن دعوت همه نخبگان، سیاستمداران و اهالی رسانه و فرهنگ به همدلی و هم‌افزایی و تبعیت از تدابیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب در مسیر پرپیچ و خم گذر از مشکلات کشور، هرگونه تعرض به ساحت مرجعیت را محکوم کرده، از مسئولان محترم و هم ارباب رسانه انتظار دارد زمینه‌های این گونه اقدامات را بر طرف نمایند».

■ آیت‌الله علی اکبر رشاد: تعرض به نهاد مرجعیت، تعرض به نظام اسلامی است

اما غیر از نهادها، شخصیت‌های تراز اول حوزوی نیز به این اهانت‌ها واکنش نشان دادند.

آیت‌الله علی اکبر رشاد، رئیس شورای حوزه‌های علمیه استان تهران در پیامی اعتراضی درباره جسارت به ساحت مرجعیت شیعه تصریح کردند: «این طلبه کمترین به عنوان خادم حوزه علمیه و طهم تهران عرض می‌کنم تعرض به نهاد مرجعیت تعرض به نظام اسلامی و حکایت «یکی بر سر شاخ بن می‌برید» است و خسارت‌های ویرانگر آن به کیان مکتب و ملت و کشور جبران‌ناپذیر است».

شش (صفت) در مؤمن نیست: سخت گیری، بی‌خیری، حسادت، لجاجت، دروغگویی و تجاوز.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۰۰۳۰۰۰۰۵۵۰-۱۴۰۰-۰۶۰۲۰۶۰۲۰۰۰۰۱۰۳۱۰۰۶۰۰۰۱۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردراحت ثبتی حوزه ثبت ملک نفت تصرفات مالکانه بلا معارض مفقوه فرمانی مالک شماره شناسنامه ۶۶۰ صادره از بندر ریگ بلاک ۱۲۳۳ فرعی از ۶۱۶ - اصلی ملکی خانم شمس خاتون حیدر پور واقع در قطعه یک ایستگاه از بخش ۲ بلوچستان مسجور تقاضای تصدیه در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ ارض ساخته ۴۰۰ مترمربع مالک ۱۲ سهم ۱۲ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم مشاع والبطه‌ام از مالک سرپرست خانم زبیر منطقه‌ی مجاورت‌دهد. حال هر کس ادعا دارد که مالک ما بلامعارض مالکانه و تصرفات مالکانه بلامعارض مالکانه و تصرفات مالکانه بلامعارض مالکانه و تصرفات مالکانه

من سره ان ینسا فی اجله و یزاد فی رزقه فلیصل رحمه

کسی که دوست دارد اجلش به تأخیر افتد و روزی اش افزایش یابد، صله رحم به جا آورد.

«سیب سلامت» روی فراورده‌های لبنی رضوی

خبر امروز

نشان «سیب سلامت» وزارت بهداشت در صنعت لبنیات کشور، به شرکت فراورده‌های لبنی رضوی اهدا شد.به گزارش آستان نیوز، امسال با توجه به تأکید وزارت بهداشت بر توسعه محصولات سلامت محور، در روز جهانی غذا مراسمی در سازمان غذا و دارو برگزار و از شرکت‌های موفق در این حوزه قدردانی شد که شرکت لبنی رضوی به عنوان تنها شرکت در صنعت لبنیات کشور، نشان سلامت درجه عالی، بالاترین نشان ایمنی و سلامت در سال ۱۴۰۰ را دریافت کرد.
این شرکت ، در همایش روز غذا که در دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد، مورد تجلیل ویژه قرار گرفت و به دلیل تولید محصولات سلامت محور و تولید ماست پروبیوتیک، بالاترین نشان ایمنی و سلامت را در سال ۱۴۰۰ دریافت کرد.آرش فرزادنیا مدیرعامل شرکت فراورده‌های لبنی رضوی در این باره گفت: فقط شرکت‌هایی مفتخر به دریافت نشان سیب سلامت می‌شوند که در ارزیابی و درجه بندی واحدهای تولیدی (PRPS) که توسط معاونت غذا و دارو انجام می شود، امتیازهای لازم را کسب کنند. در ارزیابی سالانه، این شرکت در گرید A امتیاز ۱۹۶ را بدست آورد.

درمان

خادمیاران دندانپزشک

مسئول پلی‌کلینیک دندان‌پزشکی دارالشفای امام(ع) از بهره‌مندی ۲۶ هزار و ۵۳۸ بیمار از خدمات این بخش در هفت ماهه نخست سال جاری خبر داد.

دکتر جواد ستاری گفت: خدمات متنوعی شامل معاینه، پروتز، ترمیمی، جراحی، جرم‌گیری، معالجه ریشه، کشیدن دندان، ایمپلنت(کاشت دندان) و رادیوگرافی در پلی‌کلینیک دندانپزشکی دارالشفای امام(ع) ارائه می‌شود. ۲۲ دندانپزشک از جمله متخصص جراحی دهان، فک، صورت، ایمپلنت و ۱۵ کمک پرستار دندانپزشکی در ارائه خدمات این بخش مشارکت دارند، همچنین دندانپزشکان متخصصی از شهرهای مختلف کشور به عنوان خادمیاران سلامت رضوی در برخی از ایام سال در پلی‌کلینیک دندانپزشکی دارالشفای امام(ع) به اقشار محروم خدمت‌رسانی می‌کنند.

روایت دیدار متفاوت تولیت آستان قدس رضوی با کودکان خیابانی

با بچه‌های ساکن «صدف»

گزیده

پسرها از کوچک‌ترین عضو تا بزرگ‌ترینشان، ساکت به خط نشسته‌اند. از آن‌ها می‌پرسیم؛ «بچه‌ها، می‌دانید امروز چه کسی میهمان شماست؟ فقط یکی از بچه‌ها با صدای بلند جواب می‌دهد: «رئیس حرم آقاست!» صدای خنده پسرها و مربیان فضای اتاق را پر می‌کند. مربی‌شان با خنده‌ای معنی‌دار خطاب به ما می‌گوید: «پسرها را باید در طول هفته ببینید که چه شیطنتی می‌کنند.

سارا صالحی | تولیت آستان قدس رضوی در دیداری از مرکز نگهداری از کودکان خیابانی «صدف» و گفت‌وگو با مدیر و کارکنان مرکز و نیز جمعی از بانوان بی‌سرپرست و بدسرپرست ساکن «خانه امن»، به صورت جداگانه، شنونده درد دل‌ها و دغدغه‌های هر یک از آن‌ها شد.

همه پسرهای ساکن «صدف»، کم سن و سال‌اند. شاید بزرگ‌ترینشان، ۱۴ سال سن دارد، ولی خودش را ۱۶ ساله معرفی می‌کند. حتی برخی از آن‌ها از داشتن شناسنامه هم محروم هستند، چه رسد به خانه و خانواده. این‌ها به عنوان کودکان کار و خیابانی شناخته می‌شوند. باورش سخت است، خیابان که فقط گذرگاهی موقتی برای عبورومرور ماست، محل کار و درآمد و همه امور زندگی جمعی از کودکان شهرمان باشد. بچه‌هایی که هیچ دخالتی در این سرنوشت مجهول ندارند، به هر دلیل از نعمت زندگی در پناه خانه‌ای امن و بزرگ شدن در دامن والدین خود بی‌بهره ماندند. دور از محیط امن خانواده، سال‌ها در خیابان با همه مخاطراتش رها شده و حال و روز نامساعد امروزشان، محصول بزهکاری بزرگ‌ترهاست.

■ **کودکانی با آرزوهای بزرگ**

پسرها از کوچک‌ترین عضو تا بزرگ‌ترینشان، ساکت به خط نشسته‌اند. از آن‌ها می‌پرسیم؛ «بچه‌ها، می‌دانید امروز چه کسی میهمان شماست؟ فقط یکی از بچه‌ها با صدای بلند جواب می‌دهد: «رئیس حرم آقاست!» صدای خنده پسرها و مربیان فضای اتاق را پر می‌کند. مربی شان با خنده‌ای معنی‌دار خطاب به ما می‌گوید: «پسرها را باید در طول هفته ببینید که چه شیطنتی می‌کنند. می‌دانید چرا این طور آرام و مرتب نشستند؟ از صبح منتظرند حاج آقای مروی که تشریف آوردند، هدایای خود را بگیرند!» و باز صدای خنده بچه‌ها به تأیید حرف مربی به هوا بلند می‌شود.

دوباره می‌پرسم، آخرین بار کی حرم رفتند؛ امیر حسین، چند هفته پیش رفته. طاها و برادر دو قلویش که خیلی کم سن هستند، یادش نمی‌آید. علی، یکی دیگر از بچه‌ها جواب می‌دهد: هیچ وقت توی حرم نرفتم. اما از سر چهار راه که شیشه ماشین پاک می‌کردم، گنبد آقا رو از دور دیدم. محمدعلی هم می‌گوید: یک بار رفتم پشت پنجره پول بندازم تا مادرم زودتر از زندان آزاد بشه.

از آن‌ها درباره شغل آینده‌شان هم می‌پرسم. یکی می‌گوید تراشکار، دیگری معلم، یکی از آن‌ها که طرفدار سرسخت تیم پاری سن ژرمن است، می‌خواهد مثل لیونل مسی فوتبالیست شود. اما آرمان، کوچک‌ترین عضو در کمال تعجب به یکباره می‌گوید: قاضی! برادر بزرگ‌تر دلیلش را می‌گوید: برای پرونده پدر و مادرمان دادگاه رفتیم و برادرم قاضی را دیده. به من گفته، می‌خواهد مثل او وقتی بزرگ شد، قوی شود تا به بچه‌های خیابانی کمک کند.

■ **شیرینی در دل تلخی**

از یکی دیگر از مربیان که متخصص روان‌شناسی است، کیفیت خدمت در این مرکز را جویا می‌شویم. او می‌گوید: اینجا تنها مرکز قرنطینه و بازتوانی پسران ۷ تا ۱۷ ساله شهر مشهد است. بچه‌ها در مدت اقامت موقت خود، در طول روز از دوره‌های مهارتی و روان‌شناسی مختلفی از جمله مهارت‌های کنترل خشم و آموزش‌های لازم برای زندگی استفاده می‌کنند و بقیه روز را به فعالیت‌های معمول بچه‌ها مثل بازی، ورزش و تماشای تلویزیون می‌گذرانند.

متأسفانه به خاطر اینکه این بچه‌ها بی‌مهری و خشونت زیادی از نزدیک‌ترین افراد خانواده و بستگان خود دیده‌اند و یا مجبور به تکدی‌گری و یا فروشندگی شدند، به شدت آسیب‌پذیر هستند و باید تحت مراقبت‌های تخصصی قرار بگیرند. همه تلاش ما و همکاران مددکار این مرکز این است که رنج ناشی از این آسیب‌ها را در ذهن و روح بچه‌ها کمرنگ کرده و آن‌ها را آماده ورود به خانواده و زندگی کنیم. به همین خاطر کار کردن در این مجموعه، بسیار سخت و حساس و زمانبر است.

ما بعد از رفتن پسرها، همچنان با آن‌ها ارتباط داریم. فقط وقتی می‌بینیم بیشترشان سر به راه می‌شوند و سر درس و زندگی خوب برمی‌گردند، قوت پیدا می‌کنیم که به کار سخت در اینجا ادامه دهیم. یکی از آخرین اخبار شیرینی که شنیدم، دو برادر که از اینجا رفتند، الان در کنار تحصیل، توی یک قنادی مشغول یاد گرفتن کار هستند.

■ **حمایت از خیابان تا بازگشت به خانه**

با ورود میهمانان آستان قدس رضوی، مدیر مرکز کودکان خیابانی «صدف» ضمن معرفی سابقه فعالیت این مجموعه از بهزیستی را ۲۲ سال عنوان می‌کند و می‌گوید: این مرکز محل نگهداری از کودکان خیابانی و کار است که بخشی از آن‌ها هیچ خانه و خانواده‌ای ندارند و تعدادی از بچه‌ها، بدسرپرست هستند و به‌اجبار از سنین کودکی در خیابان مشغول کار و کسب درآمد می‌شوند.

با توجه به اینکه، بهره‌کشی از کودکان برای کار کردن، از مصادیق کودک‌آزادی محسوب می‌شود و برای آن در قانون جرم تعریف شده، بنابراین توسط نیروهای انتظامی، شهرداری و ۱۲۳ از سطح شهر جمع‌آوری شده و به مرکز صدف ارجاع داده می‌شوند. در این مرکز دو دوره ۲۱ روزه، بازپروری و زمینه‌های بازگشت کودک به دامن خانواده مهیا می‌شود.

مسعود فیروزی مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی هم در این دیدار ضمن بیان گزارشی ازاقدامات این سازمان و تشکر و قدردانی از بازدیدهای پنجشنبه تولیت آستان قدس از مراکز بهزیستی، می‌گوید: حضور شما و خادمان بارگاه رضوی برای ما و همکارانمان دلگرم‌کننده و بسیار ارزشمند است.

وی اضافه می‌کند: تا امروز چنین حضوری را از طرف یک مسئول عالی حرم مطهر رضوی تجربه نکرده بودیم. معتقدم، همان طور که انجام وظیفه در سازمان بهزیستی روزی و توفیق ما شده، حضور شما نیز توفیق الهی است.

■ **اجر اخروی خدمت به اقشار آسیب‌پذیر**

پس از بیان مسائل و مشکلات از زبان مسئولان بهزیستی، حجت‌الاسلام والمسلمین مروی تولیت آستان قدس رضوی در بیاناتی ضمن خداقوت بابت خدمات شبانه‌روزی مسئولان بهزیستی مشهد و متولیان و مربیان مرکز نگهداری از کودکان خیابانی «صدف» می گوید: شما می‌توانید مثل بسیاری از مردم در حرفه‌ای مشغول به کار شوید که امنیت و آرامش روحی و ذهنی و حتی درآمد بیشتری داشته باشد، ولی خدا این توفیق را به شما و جمع معدودی از همکارانتان عنایت کرده که در خدمت قشر آسیب‌دیده جامعه به خصوص زنان و کودکان باشید. کاری که بی‌تردید اجر و پاداش بالایی نزد خداوند متعال دارد. شما این کودکان و زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست را سرپرستی و برای تک‌تک آن‌ها دلسوزی می‌کنید که هر کدام به سرانجامی خیر برسند.

یکی را از کار و زندگی در خیابان نجات می‌دهید، به یکی پناه امن می‌دهید، برای زندگی آینده جمعی از کودکان این شهر تلاش می‌کنید و... چه کاری از این بهتر و چه خیری از این بالاتر است؟

با وجود همه مسئولیت‌ها و فرصت کم برای این بازدیدها اما سرکشی مرتب و احوال‌پرسی از شما عزیزان وظیفه ماست.

سپس از بین بانوان ساکن «خانه امن» که در مجاورت مرکز صدف هستند و برای دیدار با تولیت آمده‌اند، یکی از زنان بدسرپرست با شرح مشکلات خانوادگی خود، از تولیت آستان قدس می‌خواهد برای رفع مشکلات خانواده و دو کودکش نزد امام رضا(ع) دعا کنند.

همچنین تعدادی از پسران ساکن در این مرکز از تولیت آستان قدس رضوی درخواست می‌کنند تا در فضایی خصوصی مسائل و مشکلات را بیان کنند که با پذیرش این درخواست، حجت‌الاسلام والمسلمین مروی ساعاتی را به گفت‌وگوی خصوصی و جداگانه با تعدادی از آنان سپری و دستوراتی را برای مساعدت و رسیدگی جهت رفع مشکلات خانوادگی آن‌ها صادر کرد.

■ **دَمت گرم آقای خادم**

آخر این دیدار هم مثل همیشه وقت دریافت هدایا می‌رسد. زمانی که بچه‌ها خیلی انتظارش را کشیده‌اند. برای همین زود جلو می‌آیند تا هدیه خود را از دست حجت‌الاسلام والمسلمین مروی بگیرند. با خواندن هر اسم، هدیه‌ای همراه با کلمات محبت‌آمیز تولیت آستان قدس در میان صدای بلند دست زدن پسرها، دست به دست می‌شود.

بچه‌ها از بین هدایای نقدی و غیر نقدی، با دیدن ساعت و کاپشن‌ها بیشتر از همه سر شوق می‌آیند و از حجت‌الاسلام والمسلمین مروی تشکر می‌کنند. اما برای پسران «صدف» شیرین‌تر از همه جوایز، خوردن شامی به انتخاب خودشان بود که شاید کمتر کسی اینچنین میهمان خوان رضوی شده باشد. همگی در کنار مربیان، با سفارش پیتزا، میهمان آستان مقدس رضوی شدند.

در این اثنا، خادم‌الرضای همراه هیئت آستان قدس اعلام می‌کند که از طرف کشیک کفشداران حرم به هر یک از پسرها، یک کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی هم هدیه می‌دهند.

صدای سوت و شادی پسرها با این خبر بلند می‌شود: «دمت گرم آقای خادم». بعد از آن‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین مروی هدایای خانم‌ها را تقدیم می‌کند و می‌گوید: هدیه متبرکی از حرم آقا امام رضا(ع) که بسیار ارزشمند است وگرنه قابل شما را ندارد.

یکی از خانم‌ها، در لحظه خداحافظی خطاب به تولیت می‌گوید: ما که نمی‌توانیم به حرم برویم، شما نائب الزیاره ما باشید.

حجت‌الاسلام والمسلمین مروی هم با شنیدن این درخواست، دستور برنامه ریزی برای تدارک زیارت و تشرف دسته‌جمعی خانم‌ها و پسران ساکن در این مرکز به حرم مطهر امام رضا(ع) را صادر می‌کند.

گفت‌وگو

در گفت‌وگو با مدیربحران و پدافندغیرعامل آستان قدس رضوی مطرح شد

زیارت درسایه ایمنی و امنیت

محمدحسین مروج کاشانی | به مناسبت روز پدافند غیرعامل با «محمد قاسمی» مدیر بحران و پدافندغیرعامل آستان قدس رضوی به گفت‌وگو نشسته‌ایم و او از علت تشکیل این مدیریت در آستان قدس رضوی و ارتباط آن با مقوله زائر و زیارت برایمان گفته است.

■ **اصلاً پدافند غیر عامل چیست و چرا در آستان قدس رضوی تشکیل شده است؟**

«پدافندغیرعامل» شامل مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای است که موجب «افزایش بازدارندگی»، «کاهش آسیب‌پذیری»، «تداوم فعالیت‌های ضروری»، «ارتقای پایداری» و «تسهیل مدیریت بحران» در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی و غیرنظامی دشمن می‌شود.

فرق مدیریت بحران با پدافند غیرعامل در همین منشأ مخاطره است.

در مدیریت بحران، با مواردی همچون مخاطرات طبیعی مانند سیل و زلزله، رو به رو هستیم اما در پدافند غیرعامل با تهدیدها و اقدامات نظامی و غیرنظامی دشمن روبه‌رو می‌شویم. در راستای ابلاغ سیاست‌های کلی نظام مبنی بر پیشگیری و کاهش خطرات در حوزه پدافند غیرعامل و همچنین برای تحقق سند سیاست‌های کلان آستان‌قدس رضوی، مجموعه‌ای تحت عنوان «مدیریت بحران و پدافند غیرعامل» در آستان قدس رضوی تشکیل شده است.

■ **چه ارتباطی بین فعالیت‌های این مدیریت با موضوع «زیارت و زائر» وجود دارد؟**

حرم مطهر امام رضا(ع) همه ساله پذیرای جمعیت انبوهی از زائران و ارادتمندان به ساحت مقدس خاندان عصمت و طهارت(ع) از اقصی نقاط کشور و جهان بوده است. حضور چنین جمعیت انبوه انسانی در طول سال با توجه به تعداد تشرف هر زائر به حرم مطهر رضوی در مدت زمان اقامت در مشهد به ویژه در ایام و مناسبت‌های ویژه و خاص اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی مناسب به منظور مدیریت تجمعات انبوه در اماکن و ابنیه بارگاه مطهر رضوی را بیش از پیش، بیان می‌کند.

از اقدامات اولویت‌دار مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در حرم مطهر رضوی می توان به مواردی مثل «شناسایی مخاطرات و تهدیدات متصور حرم مطهر رضوی»، «حفاظت از مجموعه فضاها، بناها و گنجینه‌های معماری و هنر حرم مطهر رضوی»، «ارتقای سطح ایمنی و امنیت کالبدی حرم مطهر رضوی و برنامه‌ریزی و اجرای تدابیر مدیریت بحران و پدافند غیرعامل» اشاره کرد. به طور خلاصه این موارد بیانگر آن است که همه مدیریت‌ها و مجموعه‌های مسئول در بارگاه مطهر رضوی باید به گونه‌ای هماهنگ عمل کنند تا محیطی «مناسب، امن و آرام» برای زائران در جهت نائل شدن به «زیارت متعالی و ایمن»، همراه با «آرامش»، فراهم شود.

■ **مسائل مربوط به پدافند غیرعامل در مجموعه های دیگر وابسته به آستان قدس هم انجام شده است؟**

بله ... در سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی در زمینه مدیریت بحران و پدافند غیرعامل به طور جداگانه در حوزه‌های حرم مطهر رضوی، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، بنیاد بهره‌وری موقوفات، بنیاد کرامت رضوی و سازمان علمی فرهنگی آستان قدس رضوی مواردی مطرح شده است. مواردی مثل تهیه سند راهبردی مدیریت بحران و پدافند غیر عامل آستان قدس رضوی، ایجاد و راهبری ستادها ،کمیته ها و کارگروه‌های تخصصی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل جهت تدوین آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های ایمنی و الزامات مدیریت بحران و پدافند غیرعامل، ممیزی و بازدیدهای کنترلی از تمامی زیرمجموعه های آستان قدس رضوی شناسایی، اولویت بندی و برنامه ریزی جهت رفع موارد ناایمن در حرم مطهر ، بازارها و مراکز جمعیتی و ... هم مد نظر ماست.

همچنین در مدت ۶ ماهه اخیر، بازدیدهای متعددی با هماهنگی کارشناسان مدیریت بحران و پدافند غیرعامل از بازارهای زیر مجموعه آستان قدس انجام شده و تمامی موارد ناایمن پس از اولویت‌بندی در برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در دستور کار و اقدام قرار گرفت.

برش

چرا پدافند غیرعامل؟

حرم مطهر امام رضا(ع) همه ساله پذیرای جمعیت انبوهی از زائران و ارادتمندان به ساحت مقدس خاندان عصمت و طهارت(ع) از اقصی نقاط کشور و جهان بوده است. حضور چنین جمعیت انبوه انسانی در طول سال با توجه به تعداد تشرف هر زائر به حرم مطهر رضوی در مدت زمان اقامت در مشهد به ویژه در ایام و مناسبت‌های ویژه و خاص اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی مناسب به منظور مدیریت تجمعات انبوه در اماکن و ابنیه بارگاه مطهر رضوی را بیش از پیش، بیان می‌کند.